

۱۷۷۵ گزینۀ «۲»

آیه: تدبر در قرآن، صفحه ۴۳

این سؤال را باید با توجه به مفاهیم مطرح در آیات ۶۰ و ۶۱ سوره یس پاسخ داد: **أَلَمْ يَعِدْ إِلَٰهَ یَا بَنی آدَمَ** ای فرزند آدم، آیا از شما پیمان نگرفته بودم؟ هشداد خداوند به انسان

أَنْ لَا تُعْبُدُوا الشَّیْطَانَ که شیطان را نپرستید: نفی بندگی شیطان

إِنَّه لَکُمْ عَدُوٌّ مُّبِیْنٌ که او دشمن آشکار شماست؟: دشمنی شیطان نسبت به انسان، آشکار است، نه پنهانی.

وَ أَنْ عَبَدُونِی و این که مرا بپرستید: انسان، همواره بر سر دوراهی بندگی خداوند یا بندگی شیطان است.

هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِیْمٌ که این راه مستقیم است: مسیر مستقیم، بندگی خداوند است. طبق این مفاهیم، گزینۀ (۲) نادرست است.

۱۷۷۶ گزینۀ «۳»

بررسی: صفحه ۴۵

حضور حسن فاعلی و عدم حسن فعلی: **جَهْلٌ** یعنی کسی نیت الهی داشته باشد ولی از روی ناآگاهی، عمل خود را مطابق دستور خداوند به جا نیاورد.

عکس مفهوم اول یعنی عدم حسن فاعلی و حضور حسن فعلی: **رِیَا** یعنی فردی ظاهر عملش نیک باشد، ولی نیت الهی نداشته باشد.

کَمَکٌ به افراد نیازمند در حضور دیگران، **ظَاهِرٌ** نیک اما نیتی غیر الهی دارد، در نتیجه مصداقی از مورد دوم یعنی «ریا» است.

۱۷۷۷ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۴۷

انجام واجبات و ترک محرمات از راه‌های تقویت اخلاص است. در نتیجه علت است. نیایش با خداوند و عرض نیاز به پیشگاه او برای رسیدن به اخلاص، غفلت از خداوند را کم می‌کند، محبت او را در قلب تقویت می‌کند و انسان را بهره‌مند از کمک‌های الهی می‌نماید.

۱۷۷۸ گزینۀ «۴»

ترکیبی: درس ۱۲ - ۱۰ - دهم

عبارت: **«یَدْنِینَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیْهَتٍ»** به حدود حجاب برای زنان اشاره دارد و می‌فرماید که پوشش‌هایشان را به خود نزدیک سازند. **انجام این وظیفه الهی، بیانگر انجام واجبات است.**

آیه **«أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ»** از خداوند، هدایت به راه راست زندگی را خواستار شده که از مصادیق «راز و نیاز با خداوند و کمک‌خواستن از او» است.

۱۷۷۹ گزینۀ «۴»

آیه: تدبر در قرآن، صفحه ۴۳ / ترکیبی: درس ۳ - دوازدهم

با توجه به آیه **«قُلْ أَمَّا عَطَاکُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ نَفْسٍ إِحْدَىٰ»**، موعظه منحصر خداوند به انسان، قیام جمعی و فردی برای خداست.

علاوه بر آیه مطرح در سؤال، آیه **«إِنَّ اللَّهَ زَبَىٰ وَ زَبَّکُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِیْمٌ»** راه درست زندگی را عبادت خدا بیان کرده است.

۱۷۸۰ گزینۀ «۱»

متن: صفحات ۴۷ و ۴۸

اگر انسان در اخلاص پیش رود، به مرحله‌ای می‌رسد که گرفتار دام‌های شیطان نمی‌شود و شیطان از نفوذ در او مأیوس می‌گردد. داستان حضرت یوسف علیه السلام یکی از نمونه‌های آن است.

کافی است به زندگی زیبا و پر از جلال رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و دیگر پیشوایان خود نظر بیفکنیم و ببینیم که این همه خوبی و زیبایی و آن مقام قرب و نزدیکی به محبوب را از راه **بندگی خالصانه** به دست آورده‌اند.

۱۷۸۱ گزینۀ «۱»

ارتباط مفهومی: بیت / آیه

مفهوم بیت مطرح در صورت سؤال، اخلاص در بندگی، **خالص کردن دل و فکر برای خدا و بیرون کردن غیر خدا از فکر و دل** است. در نتیجه باید آیه‌ای را انتخاب کنیم که هم بر اخلاص برای خدا و هم بیرون کردن غیر خدا از دل اشاره داشته باشد. آیه **«أَلَمْ يَعِدْ إِلَٰهَ یَا بَنی آدَمَ...»** با عبارت **«لَا تُعْبُدُوا الشَّیْطَانَ»** به بیرون کردن غیر خدا از دل و با عبارت **«وَ أَنْ عَبَدُونِی»** به اخلاص برای خدا اشاره دارد و پاسخ صحیح است.

۱۷۸۲ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۴۴

قصد و نیت به منزله روح عمل است و عمل بدون نیت، کالبد بی جانی بیش نیست.

۱۷۸۳ گزینۀ «۳»

ارتباط مفهومی: بیت / بیت

همه ابیات به «افزایش معرفت نسبت به خداوند» اشاره دارد، اما گزینۀ (۳) به «توجه به نیازهای برتر و پیداکردن دغدغه و درد متعالی» برای رسیدن به پاداش‌های وصفناشدنی اشاره دارد.

۱۷۸۴ گزینۀ «۱»

تطبیق: صفحه ۴۵ / بررسی: صفحه ۴۵

وجود جهل در جایی است که فرد نیت الهی و حسن فاعلی دارد، اما عمل خود را مطابق با دستور الهی انجام نمی‌دهد و حسن فعلی ندارد.

پوشیدن لباس تمیز برای حفظ احترام خود: فقط حسن فعلی دارد و چون ریا است، حسن فاعلی ندارد. حضور در نماز جماعت: هم حسن فعلی دارد و هم حسن فاعلی؛ زیرا هم عمل او مطابق دستور خداست و هم نیت او الهی است.

۱۷۸۵ گزینۀ «۳»

متن: صفحات ۴۷ و ۴۸

مقاومت در برابر دام‌های شیطان، نیازمند روی آوردن به پیشگاه خداوند و پذیرش خالصانه فرمان‌های اوست.

شیطان، خود اقرار کرده که توانایی فریب مؤمنان با اخلاص را ندارد.

۱۷۸۶ گزینۀ «۴»

متن: صفحه ۴۴ / بررسی: صفحه ۴۸

از آن جا که مفهوم اخلاص آن است که شخص، **عملش** را فقط برای رضای خداوند و همان گونه که او دستور داده است، انجام دهد، با **توحید عملی** تناسب دارد.

اگر انسان در اخلاص پیش رود، به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر فریب وسوسه‌های شیطان را نمی‌خورد و گرفتار دام‌های شیطان نمی‌شود. حضرت یوسف علیه السلام نیز به علت داشتن اخلاص، از دام‌های شیطان که همان وسوسه‌های زلیخا بود، مصون ماند.

۱۷۸۷ گزینۀ «۱»

متن: صفحه ۵۶

بررسی گزینه‌ها: گزینۀ (۱): با توجه به این که فقط با زندگی در یک جهان قانونمند، امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد، بنابراین تقدیرات هم لازمه کار اختیاری انسان و هم جهت‌دهنده و محدودکننده آن است.

گزینۀ (۲): اختیار انسان با قضای الهی ناسازگار نیست.

گزینۀ (۳): انسان در همه امور اختیار ندارد. مثلاً ما در عملکرد دستگاه‌های مختلف بدن خود نقشی نداریم. پس جمله «هیچ چیز نمی‌تواند مانع اراده او شود» نادرست است.

گزینۀ (۴): مشیت الهی بر داشتن اختیار انسان تعلق گرفته است. بنابراین مشیت الهی نیز نمی‌تواند مانع از اختیار انسان شود.

۱۷۸۸ گزینۀ «۱»

متن: صفحات ۵۸ و ۵۹

در فعل اختیاری، تا زمانی که ما به انجام دادن فعلی اراده نکرده‌ایم، آن فعل انجام نمی‌گیرد. در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است، یعنی اراده انسان در طول اراده خداست. از این جملات می‌فهمیم که: جمله «کار انسان، هم به اراده و اختیار او وابسته است و هم به اراده خداوند» سخن درستی است و مبنای آن قبول علل طولی است.

خداوند این گونه تعیین کرده که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد». یعنی اختیار انسان، یک **تقدیر الهی** است.

۱۷۸۹ گزینۀ «۴»

متن: صفحات ۵۳ و ۵۸

ویژگی ذاتی انسان، اختیار است. باید توجه داشته باشیم که بسیاری از امور، اختیاری نیست و ما در وقوع آن‌ها نقشی نداریم. در نتیجه قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۳) نادرست است.

در عین حال، باید توجه داشت که همین **اختیار محدودی که داریم، مبنای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین‌کننده عاقبت و سرنوشت ماست.** در نتیجه قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۴) صحیح است که می‌گوید: انسان، کارهایش را با خواست و اراده خود انجام می‌دهد.

خداوند این گونه تقدیر کرده که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد» و کسی نمی‌تواند از اختیار، که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند. در نتیجه، اختیار انسان توسط خداوند تعیین شده و توسط انسان قابل تغییر نیست. از طرفی همه چیز تحت اختیار انسان نیست. در نتیجه قسمت دوم گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست است.

۱۷۹۰ گزینۀ «۳»

متن: صفحات ۵۴ و ۵۵ / آیه: انسان، ۳

خدای متعال، متناسب با همین قوهٔ اختیار، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته است که از راهنمایی خداوند استفاده کند و سپاسگزار باشد، یا ناسپاسی کند و از هدایت الهی بهره نبرد. آیه: ﴿اِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيْلَ اَمَّا شَاكِرًا وَاِمَّا كٰفِرًا﴾ بیانگر آن است.

۱۷۹۱ گزینۀ «۱»

آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۵۵.

آیه مطرح در صورت سؤال، بر «اختیار» انسان پس از نزول رهنمودهای الهی بر او اشاره دارد. تقدیر الهی برای انسان این است که او دارای اختیار باشد. در واقع، مشیت الهی زمینه‌ساز شکوفایی اختیار انسان است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۲): این آیه، به قدرت تفکر و تصمیم از نشانه‌های اختیار اشاره دارد، نه مسئولیت‌پذیری.

گزینۀ (۳): این آیه، نمی‌گوید که بصیرت الهی مانع گمراهی انسان می‌شود، بلکه بیان می‌کند رهنمودهای الهی به انسان رسیده و او با اختیار خود، تفکر می‌کند و تصمیم می‌گیرد راه الهی را در پیش بگیرد یا راه شقاوت را.

گزینۀ (۴): این آیه به قدرت تفکر و تصمیم از نشانه‌های اختیار اشاره دارد، نه احساس رضایت یا پشیمانی.

۱۷۹۲ گزینۀ «۱»

آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۵۵ / متن: صفحه ۵۵

عقیده «جبرگرایی» به معنای «مختار نبودن انسان» است. آیه ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن ابْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَن اَعْمٰى فَلِعَلِيْهَا﴾ با بیان این که انسان مختار است که دلایل روشن الهی را بپذیرد یا نپذیرد، این عقیده را نفی نموده است. انسان می‌تواند قوانین حاکم بر جهان هستی و خلقت را بشناسد و برای رفع نیازهای خود از آن‌ها استفاده کند و به هدف‌های خود برسد. به عبارت دیگر، او در جهانی زندگی می‌کند که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است. بنابراین قانونمندی جهان هستی، قضا و قدر الهی نامیده می‌شود.

۱۷۹۳ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۷

امیر مؤمنان با رفتار و سپس گفتار خود، نگرش صحیح خود از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص و دیگران آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۱): نشستن در سایهٔ دیوار مستحکم و پایدار، از قانون و قضای الهی نشأت گرفته است.

گزینۀ (۲): تمام حرکات و تصمیم‌گیری‌های امام، براساس شناخت قانون و قضای الهی بود.

گزینۀ (۴): فروریختن دیوار کج، یک قضای الهی است.

۱۷۹۴ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۳ / تدبیر در قرآن، صفحه ۵۵

اختیار حقیقتی وجدانی و مشهود است و حتی کسی که آن را در سخن انکار می‌کند، در عمل از قدرت اختیار خود بهره می‌برد. در نتیجه انکارناپذیر هم هست. آیه ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن ابْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَن اَعْمٰى فَلِعَلِيْهَا﴾ با بیان این که خدای متعال، برای انسان دلایل روشن فرستاده و او را مختار گذاشته که از راهنمایی خداوند، استفاده کند و یا کوری پیشه کند و از آن استفاده نماید، حاکی از اختیار است.

۱۷۹۵ گزینۀ «۱»

آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۵۵

با توجه به آیه ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن ابْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَن اَعْمٰى فَلِعَلِيْهَا﴾ «به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمد. پس هر که بینا گشت، به سود خود او و هر کس کوردل گردد، به زیان خود اوست.» ثمرهٔ اطاعت یا زیان نافرمانی هر دو به خود انسان برمی‌گردد.

۱۷۹۶ گزینۀ «۱»

آیه: انسان، ۳

این آیه دو عبارت دارد:

اَنَا هَدَيْنَا السَّبِيْلَ خداوند، متناسب با قوهٔ اختیار، بشر را راهنمایی کرده است: فلسفهٔ نبوت نشان‌دادن راه به انسان است.

اَمَّا شَاكِرًا وَاِمَّا كٰفِرًا خداوند، انسان را مختار گذاشته که از راهنمایی او استفاده کند و سپاس گزار باشد یا ناسپاسی کرده و مسیر شقاوت را بپیماید: شکرگزاری یا کفران به وسیلهٔ قدرت اختیار انسان صورت می‌گیرد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۲): جمله «نداشتن اختیار برای انسان، امر عادی است.» نادرست می‌باشد؛ زیرا انسان موجودی مختار است.

گزینۀ (۳): خداوند به وسیلهٔ پیامبران راه صحیح را نشان می‌دهد، شکرگزاری انسان با انتخاب راه صحیح انجام می‌شود.

گزینۀ (۴): این آیه نمی‌گوید که پیامبران، شکرگزاری و کفران را به انسان نشان می‌دهند، بلکه می‌گوید کسی که راه صحیح زندگی را انتخاب کند، شاکر و کسی که آن را انتخاب نکند، ناسپاس است.

۱۷۹۷ گزینۀ «۱»

متن: صفحات ۵۵ و ۵۶

خداوند، قدرت اختیار را به ما عطا کرده و از ما خواسته با استفاده از آن، برای زندگی خود برنامه‌ریزی کنیم و به قله‌های کمال برسیم: پیمودن پله‌های کمال. زندگی در یک جهان قانونمند، به وی امکان حرکت و فعالیت می‌دهد، زیرا او می‌تواند قوانین حاکم بر جهان خلقت را بشناسد و برای رفع نیازهای خود از قوانین استفاده کند: برطرف نمودن نیازها، به فعلیت رساندن استعدادها

۱۷۹۸ گزینۀ «۱»

متن: صفحه ۵۶

تعیین اندازه، ویژگی و نقشهٔ پدیده‌ها: تقدیر

تقدیر برخاسته از علم الهی است.

موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و ارادهٔ الهی ایجاد می‌شوند، مربوط به قضای الهی هستند.

۱۷۹۹ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۶

موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و ارادهٔ الهی ایجاد می‌شوند، به قضای الهی وابسته‌اند.

موجودات جهان از آن جهت که خداوند، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کند، به تقدیر الهی وابسته‌اند.

۱۸۰۰ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۶

اگر وضع جهان غیر از این بود، یعنی تحت نظام قدر و قضای الهی قرار نداشت و قانونمند نبود، نمی‌توانستیم با همین اطمینان خاطری که اکنون داریم، با اختیار خود دست به انتخاب بزنیم و در این جهان فعالیت کنیم. از این رو فقط با زندگی در یک جهان قانونمند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد. طبق این عبارت، صحنهٔ بروز و ظهور اختیار انسان، آن‌جاست که قضا و قدرهای متفاوت او را احاطه کرده باشند و انسان با شناخت نظام قضا و قدری خداوند، حرکت اختیاری انجام دهد.

۱۸۰۱ گزینۀ «۱»

متن: صفحات ۵۷ تا ۵۹

جوشش آب در درجهٔ مشخص: تقدیر

برخورداری انسان از اختیار: تقدیر

ارادهٔ انسان در طول ارادهٔ خداست؛ در نتیجه امر دوم برخاسته از علل طولی است.

۱۸۰۲ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۶

هر دو مفهوم مطرح در صورت سؤال، به طور مستقیم در کتاب درسی نیامده است و باید با توجه به مفاهیمی که از «قضا» و «تقدیر» آموخته‌ایم به این سؤال پاسخ دهیم. تأثیرگذاری پدیده‌ها در نظام تکوین (آفرینش) همان انجام کارها توسط مخلوقات در طول ارادهٔ الهی است. انجام کار مرتبط با قضای الهی است.

وساطت فرشتگان و کارگزاری آنان در محدودهٔ تعیین شده از سوی خداوند نیز بیانگر انجام کارها به طور غیرمستقیم و به اذن الهی توسط فرشتگان است. انجام کارها نیز مربوط به قضای الهی است؛ زیرا در این‌جا، خداوند حکم و فرمان خود را از طریق فرشتگان به اجرا درمی‌آورد که همان مفهوم قضای الهی را می‌رساند.

۱۸۰۳ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۷ / آیه: انسان، ۳

با توجه به سخن امام علی علیه السلام که فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.» فرار از این قضا، امری ممکن است و می‌توان با پناه‌بردن به دیواری مستحکم از آن جلوگیری کرد. این امر که کاری اختیاری است و به اختیار انسان در پرتو قضا و قدر الهی اشاره دارد، از آیه ﴿اِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيْلَ اَمَّا شَاكِرًا وَاِمَّا كٰفِرًا﴾ برداشت می‌شود.



۱۸۰۴ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۶

نقشۀ جهان یعنی ویژگی‌ها و حدود و موقعیت مکانی و زمانی که حاکی از تقدیر است. اجرا و پیاده کردن آن، حاکی از قضای الهی است.

۱۸۰۵ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۸

مختاربودن انسان: تقدیر
خروج از تقدیرات الهی: ناممکن است.

۱۸۰۶ گزینۀ «۱»

آیه: انسان، ۳

خدای متعال، متناسب با قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته که از راهنمایی خداوند استفاده کند و سپس گزار باشد یا ناسیاسی کند و از هدایت و لطف الهی بهره نبرد. پیام اصلی این آیه، اختیار انسان است. در نتیجه باید گزینه‌ای را انتخاب کنیم که به این مفهوم اشاره دارد. از میان گزینه‌ها، گزینۀ (۱) بیانگر انتخاب است.

پ.ن: سایر گزینه‌ها که فقط به «هدایت الهی» اشاره دارد، پاسخ صحیح نیست.

۱۸۰۷ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۷ / حدیث: صفحه ۵۷

فروریختن دیوار کج، یک قضای الهی است. اما این قضا متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است.

حضرت علی (ع) فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.»

۱۸۰۸ گزینۀ «۲»

متن: صفحات ۵۷ و ۵۹

آیه مطرح در صورت سؤال به اختیار انسان اشاره دارد. اختیار انسان، در طول اراده خداوند است. ویژگی اختیار، یک تقدیر الهی است.

پ.ن: جمله «اراده خداوند متعلق به تکوین و تشریح است.» یعنی اراده خداوند

بر نظام آفرینش و شریعت تعلق می‌گیرد. این مفهوم ارتباطی به آیه مطرح ندارد.

۱۸۰۹ گزینۀ «۴»

متن: صفحه ۵۶ / آیه: انعام، ۱۰۴

پیاده کردن قوانین حاکم بر هستی یعنی به اجرا درآوردن و به انجام رساندن آن‌ها که بیانگر قضای الهی است.

با توجه به آیه: ﴿قد جاءکم بصائر من ربکم﴾ «به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمده است.» گزینۀ (۴) پاسخ صحیح است.

۱۸۱۰ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۶

انسان می‌داند که فقط با زندگی در یک جهان قانونمند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد. با توجه به این جمله، توسعه فعالیت‌های اختیاری انسان، معلول معرفت به تقدیر الهی است.

از میان دو کلمه «تابع» و «متبوع» اولی به معنای «به دنبال» و «دومی به معنای چیزی که از آن تبعیت می‌شود» است. کلمه‌ای که به معلول اشاره دارد، تابع است. تقدیر الهی، برخاسته از علم الهی است.

۱۸۱۱ گزینۀ «۱»

متن: صفحات ۵۶ و ۵۸

رابطه جاذبه میان اشیا، یعنی ویژگی آن‌ها. در نتیجه تقدیر الهی است و از علم خداوند سرچشمه می‌گیرد.

۱۸۱۲ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۶

نظام تعیین شده میان موجودات (تعیین ویژگی‌ها و روابط میان موجودات): مقدر به تقدیر الهی است.

خلق و اجرای موجودات، مقضی به قضای الهی است. خاستگاه تقدیر، علم خداوند است.

۱۸۱۳ گزینۀ «۴»

متن: صفحات ۵۶ و ۵۷

قضا برخاسته از حکم و اراده الهی است. قدر برخاسته از علم خداست.

با توجه به سخن حضرت علی (ع) که فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم» هر قضایی متناسب با تقدیر خاص است. در نتیجه تقدیر تکیه‌گاه قضا می‌باشد.

۱۸۱۴ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۶

نقشۀ پدیده‌ها: تقدیر، علم
تحقق آن: قضا، اراده

۱۸۱۵ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۹

اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند و در طول اراده خداست، نه در عرض آن.

۱۸۱۶ گزینۀ «۴»

آیه: تدبر در قرآن، صفحه ۵۵

با توجه به آیه ۱۰۴ سوره انعام به این سؤال پاسخ می‌دهیم:
قد جاءکم بصائر من ربکم به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمد: نزول دلایل روشن بر انسان

فمن ابصر فلنفسه پس هر کس که بینا گشت، به سود خود او: اختیار انسان در قبول آن و من عی فعلیها و هر کس کوردل گردد، به زیان خود اوست: اختیار انسان در رد آن

۱۸۱۷ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۳

آیه مطرح در صورت سؤال، بیانگر «اختیار» انسان است. اختیار، یک حقیقت وجدانی است، نه عقلی.

۱۸۱۸ گزینۀ «۱»

متن: صفحه ۵۹

بین نظام جهان و اراده انسان، رابطه طولی حاکم است. در رابطه طولی، از آن‌جا که یک عامل در عامل دوم اثر می‌گذارد و آن عامل در عامل بعدی تأثیر می‌کند، رابطه تقدم و تأخر برقرار است. در نتیجه اراده انسان نیز مؤخر از اراده خداوند است؛ یعنی هر چیزی که انسان، اراده نماید؛ ابتدا خداوند اراده کرده که او آن عمل را انجام دهد.

پ.ن: در گزینۀ دیگر گفته شده: «انسان، همان را اراده می‌کند که مقدر اوست و برای او تعیین شده است.» این جمله به معنای عدم اختیار انسان است که اشتباه می‌باشد.

۱۸۱۹ گزینۀ «۴»

متن: صفحه ۵۹

تأثیر یک عامل در عامل دوم برای انتقال اثرش به معلول: علل طولی - مثال: نگارش همکاری عوامل گوناگون به صورت یک مجموعه: علل عرضی - مثال: رویش گل

۱۸۲۰ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۳

دو بیت مطرح در صورت سؤال، بیانگر «اختیار انسان» است؛ بنابراین باید گزینه‌ای را انتخاب کنیم که به این مفهوم اشاره کرده باشد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): این گزینه بر اعمال غیراختیاری انسان تأکید نموده است.

گزینۀ (۲): شواهد اختیار را در وجود خود می‌یابیم نه بیرون.

گزینۀ (۳): این گزینه بیانگر اختیار و ویژگی‌های آن است و صحیح می‌باشد.
گزینۀ (۴): این گزینه بیانگر تفاوت میان اعمال اختیاری و غیراختیاری است، نه تأکید بر اختیار.

۱۸۲۱ گزینۀ «۲»

آیه: تدبر در قرآن، صفحه ۵۵

خداوند در آیه ۱۸۲ سوره آل عمران می‌فرماید: «این عقوبت، به خاطر کردار پیشین شماست، وگرنه خداوند هرگز در حق بندگان ستم نمی‌کند.»

۱۸۲۲ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۶

آبی که برای رفع تشنگی می‌نوشیم، به سبب اعتماد به همین تقدیر و قضاست؛ یعنی می‌دانیم که خداوند، آب را با این ویژگی‌ها آفریده که سبب رفع تشنگی می‌شود.

۱۸۲۳ گزینۀ «۲»

آیه: انسان، ۳

اختیار، یک حقیقت وجدانی و مشهود است که هر کس آن را در خود می‌یابد و نیاز به استدلال ندارد. آیه‌ای که به اختیار اشاره نموده، آیه ﴿آنا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً﴾ است.

۱۸۲۴ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۹

خداوند این‌گونه تقدیر کرده که انسان، کارهایش را «با اختیار انجام دهد»، تعیین کردن ویژگی انسان، بیانگر تقدیر است.

هیچ کس نمی‌تواند از اختیار که ویژگی ذاتی اوست فرار کند. حتی اگر بخواهد فرار کند، باز هم یک کار اختیاری بوده چون همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.



۱۸۲۵ گزینۀ «۴»

متن: صفحه ۵۹

نسبت دادن کل کار به هر یک از عوامل، در **علل طولی** مطرح می‌شود. در نتیجه باید گزینه‌ای را انتخاب کنیم که حاکی از این نوع **علل** باشد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): در **علل طولی**، یک عامل در عامل بعدی فقط اثر می‌گذارد نه در هر یک از عوامل بعدی.

گزینه (۲): این گزینه بیانگر **علل عرضی** است، نه **طولی**.

گزینه (۳): این گزینه بیانگر **علل عرضی** است، نه **طولی**.

گزینه (۴): این گزینه بیانگر **علل طولی** است.

۱۸۲۶ گزینۀ «۱»

ارتباط مفهومی: حدیث/ آیه

علت سخن حضرت علی، **قانونمندی الهی و اختیار انسان** در **پرتو آن** است. آیه «انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً» نیز بیانگر اختیار انسان است.

۱۸۲۷ گزینۀ «۴»

آیه: تدبر در قرآن، صفحه ۵۵

مفهوم آیه شریفه، **اختیار انسان** است که این مفهوم در گزینه‌های (۳) و (۴) آمده است.

با توجه به این که انسان باید براساس تفکر و تصمیم با رهنمودهای الهی مواجه شود و دست به انتخاب بزند، این آیه به داشتن قدرت تفکر و تصمیم‌گیری اشاره می‌کند.

۱۸۲۸ گزینۀ «۴»

متن: صفحه ۵۷

برخی چنین پنداشته‌اند که **قضا و قدر الهی** با **اختیار انسان** ناسازگار است و تصور می‌کنند تقدیر، چیزی غیر از **قانونمندی** و **نظم** است.

برداشت نابه‌جای آن شخص این بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود، حتماً این کار انجام می‌شود.

۱۸۲۹ گزینۀ «۱»

متن: صفحه ۵۳

اختیار که به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است، یک حقیقت وجدانی و مشهود است و هر کس آن را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه‌روز در حال **تصمیم‌گرفتن** برای انجام یک کار یا ترک آن است.

۱۸۳۰ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۶

این که می‌گوییم **قدر و قضا** الهی بر جهان حاکم است، به این معناست که نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها و ویژگی‌ها و قانون‌هایش از آن خدا و از علم خداست و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست. به همین دلیل، نه در نقشه جهان [تقدیر] نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن.

۱۸۳۱ گزینۀ «۴»

متن: صفحه ۵۹

در **فعل اختیاری**، تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، آن فعل انجام نمی‌گیرد؛ اما در **عین حال**، وجود **ما**، اراده **ما** و عملی که از **ما** سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است؛ یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): اراده خداوند، مقدم بر همه اراده‌ها است.

گزینه (۲): این جمله نادرست است و در هر موضوعی، واسطه‌ها و علل مختلف در آن کار دخالت دارند.

گزینه (۳): نسبت اختیار انسان و اراده الهی، مشارکت نیست، بلکه رابطه طولی حاکم است.

۱۸۳۲ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۴

سنجیدن جوانب کار و دچار شدن به تردید: تفکر و تصمیم

استواری عهدها و پیمان‌ها: مسئولیت‌پذیری

۱۸۳۳ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۶

نقشه جهان بیانگر تقدیر است و از علم الهی سرچشمه گرفته و اجرا و پیاده کردن آن بیانگر قضا است و از اراده الهی برخاسته است. اصطلاح قرآنی **دوم** یعنی قضا، هم‌مفهوم با «حتمیت بخشیدن» است.

۱۸۳۴ گزینۀ «۴»

آیه: تدبر در قرآن، صفحه ۵۵

خداوند در آیه ۱۰۴ سوره انعام فرموده: «به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان برای شما آمده است؛ پس هر که بینا گشت به سود خودش عمل کرده و هر کس کوری پیشه کرد، به خودش زیان رسانده است.» این آیه بر «**اختیار انسان**» اشاره دارد. در نتیجه مفهوم: «هر انسانی باید بازتاب اعمال خود را بپذیرد.» صحیح است.

هم‌چنین در آیه ۱۸۲ سوره آل عمران فرموده: ﴿ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ اِیْدِیْكُمْ وَاِنَّ اللّٰهَ لَیْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعَبِیْدِ﴾ «این (عقوبت) به خاطر کردار پیشین شماست و خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند.»

۱۸۳۵ گزینۀ «۱»

متن: صفحه ۵۷

برداشت نابه‌جای آن شخص چنین بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود، حتماً این کار انجام می‌شود و ما نمی‌توانیم تغییری در آن ایجاد کنیم؛ بنابراین **حرکت و تغییر مکان و تصمیم‌گیری براساس دستور عقل**، بی‌فایده است.

اما امیرالمؤمنین با رفتار و گفتار خود، نگرش صحیح از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص و دیگران آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است.

پ.ن: جمله «اختیار ما در تعیین سرنوشت خود محدود و ناچیز است» که در قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) آمده، جمله درستی است.

هم‌چنین فروریختن دیوار کج، یک قضای الهی است.

۱۸۳۶ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۶/ ترکیبی: درس ۷، دهم - ۲، دوازدهم

تعیین ویژگی فرشتگان به عنوان مراقبان بر اعمال انسان: **تقدیر**

ریزه‌کاری‌های جهان: **تقدیر**

موقعیت مکانی موجودات جهان: **تقدیر**

آیه ﴿قُلْ اللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَیْءٍ﴾ که حاکی از ایجاد موجودات است: **قضا**

متن: صفحه ۵۷

معنای قدر و قضا الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعده خاص خود را دارد که این قواعد توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): علم الهی بر تعیین ویژگی‌های مخلوقات تعلق می‌گیرد، نه اراده آن. گزینه (۲): نظم حاکم بر جهان، اتفاقی نیست، بلکه ناشی از علم و حکمت الهی است. گزینه (۳): تقدیر حاکم بر جهان خلقت، قابل تغییر نیست و به پشتوانه همین تقدیر ثابت، زمینه کار اختیاری انسان فراهم می‌شود.

۱۸۳۸ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۷

ریختن دیوار کج، یک **قضای الهی** است. این **قضا متناسب با ویژگی و تقدیر** خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است؛ اما اگر دیوار، **ویژگی (تقدیر)** دیگری داشته باشد، مثلاً محکم باشد، **قضای دیگری** را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو **تقدیر** و این دو **قضا** را بشناسد، تصمیم می‌گیرد و دست به انتخاب مناسب‌تر می‌زند.

۱۸۳۹ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۹

پیام آیه اول، **تدبیر و پرورش همه موجودات به دست خداست**.

پیام آیه دوم، **اختیار انسان است**.

ارتباط میان این دو آیه، در **حقیقت رابطه میان اراده خداوند و اختیار انسان** است که در گزینه (۲) آمده: اراده انسان، وابسته به اراده خداست و در طول اراده خداوند، نقش فاعلی و قدرت تصمیم‌گیری دارد.

۱۸۴۰ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۷

برخی چنین پنداشته‌اند که **قضا و قدر الهی** با **اختیار انسان**، ناسازگار است؛ در حالی که میان این دو، سازگاری وجود دارد و اعتقاد به **قضا و قدر الهی**، عامل و زمینه‌ساز کار اختیاری انسان است.

فروریختن دیوار سست و کج، یک **قضای الهی** است که متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار یعنی سستی و کجی آن است.



۱۸۴۱ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۶

بررسی گزینه‌ها: گزینۀ (۱): تقدیر الهی (نه قضای الهی) در ویژگی‌های موجودات و روابط میان آن‌ها مؤثر است.

گزینۀ (۲): قضا از مظاهر اراده و قدر از مظاهر حکمت الهی است و به وجود آوردن آسمان‌ها و زمین، فقط مربوط به قضای الهی است.

گزینۀ (۳): از آن‌جا که تقدیر مقدم بر قضای الهی است، کل آفرینش تحت امر قدر الهی است یعنی ویژگی‌های همه چیز را خداوند تقدیر نموده و این ویژگی‌ها قبل از ایجاد و خلق (قضا)، مقدر شده است.

گزینۀ (۴): جهان هستی با یک اتفاق موجود نشده است، بلکه ناشی از اراده الهی است.

۱۸۴۲ گزینۀ «۱»

تدبیر در قرآن: صفحه ۵۵

آیه: ﴿ذَلِكْ بِمَا قَدَّمْتَ اَيْدِيكَ وَاِنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ اشاره به این نکته دارد که انسان، مسئول اعمال خویش است و عذاب اخروی وی نتیجه اعمالی است که در دنیا انجام داده است.

۱۸۴۳ گزینۀ «۴»

متن: صفحات ۵۸ و ۵۹

در **علل طولی**، بحث وابستگی علت پایینی به علت مرتبه بالایی مطرح می‌شود. گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) به علت‌هایی در کنار هم نیازمند است که نتیجه نهایی ایجاد شود ولی در گزینۀ (۴)، نوشتن حاصل کار انسان است که به ترتیب نفس انسان، ساختار عصبی بدن، دست و قلم از جمله علل طولی می‌باشند.

۱۸۴۴ گزینۀ «۲»

تدبیر در قرآن: صفحه ۵۵

خداوند می‌فرماید: ﴿ذَلِكْ بِمَا قَدَّمْتَ اَيْدِيكَ﴾ «این عقوبت، به خاطر کردار پیشین شماست.» و این آیه به مسئولیت‌پذیری از نشانه‌های اختیار اشاره دارد.

۱۸۴۵ گزینۀ «۱»

متن: صفحات ۵۶ و ۵۸

این که هر عضوی کدام کار را انجام دهد، از تقدیرات الهی است. فقط با زندگی در یک جهان قانونمند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد.

۱۸۴۶ گزینۀ «۴»

تدبیر در قرآن: صفحه ۵۵

با توجه به آیه: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَآئِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن ابْصَرَ فَلَئِن سَأَلَ مِن عَمِي فَعَلَيْهَا﴾ خداوند با ارسال دلایل و رهنمودهای روشن، راه بینایی و کوردلی را برای انسان باز گذاشته است و این آیه بیانگر «تفکر و تصمیم» از نشانه‌های اختیار انسان است.

۱۸۴۷ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۷

امیرالمؤمنین آموخت که اعتقاد به قدر و قضا، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است و این انسان است که باید با تشخیص درست، بهترین‌ها را انتخاب کند.

۱۸۴۸ گزینۀ «۱»

متن: صفحه ۵۷

معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعده خاص خود را دارد و تمام جهان براساس قواعدی بنا شده است و این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است.

۱۸۴۹ گزینۀ «۳»

ارتباط مفهومی: بیت / آیه

مفهوم بیت مطرح در صورت سؤال، مسئولیت‌پذیری از نشانه‌های اختیار است. همین مفهوم در آیه: ﴿ذَلِكْ بِمَا قَدَّمْتَ اَيْدِيكَ...﴾ نیز آمده است.

۱۸۵۰ گزینۀ «۴»

متن: صفحه ۷۲، آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵

اگر کسانی چنان در باطل و گناه پیش روند که از کار خود خرسند باشند و با حق دشمنی و لجاجت ورزند، خداوند به آن‌ها فرصت و نعمت می‌دهد و آن‌ها این فرصت‌ها و نعمت‌ها را وسیله غوطه‌ور شدن در گناهان قرار می‌دهند. در حقیقت، مهلت‌ها و نعمت‌ها، با اختیار خودشان به صورت بلای الهی جلوه‌گر شده و به تدریج به سوی هلاکت ابدی نزدیک‌تر می‌شوند. این سنت، سنت «املاء و استدراج» نام دارد.

۱۸۵۱ گزینۀ «۴»

آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۶

این سؤال را باید با توجه به آیه ۹۶ سوره اعراف پاسخ داد:

و لَو اَنَّ اَهْلَ الْقَرْيَةِ اٰمَنُوْا وَاَتَقَوْا و اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند: ایمان و تقوای مردم

لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَآءِ وَاَلْاَرْضِ قطعاً برایشان برکاتی از آسمان و زمین می‌گشودیم: نتیجه ایمان و تقوا: برخورداری از برکات الهی

و لٰكِن كَذَّبُوْا فَاذْنٰهُمْ بِمَا كَانُوْا يٰكْسِبُوْنَ ولی تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختیم به (کیفر) آن‌چه مرتکب می‌شدند: در غیر این صورت، گرفتار کیفر الهی می‌شوند.

۱۸۵۲ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۶۸، آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵

دستاورد (نتیجه) سنت ابتلاء و آزمایش برای انسان این است که هویت و شخصیت او ساخته می‌شود و شناخته می‌گردد.

عبارت ﴿و نبلوكم بالشرّ و الخیر فتنة﴾ بیانگر سنت ابتلاء است. پس فقط با توجه به قسمت دوم سؤال می‌توان به سؤال پاسخ داد!

۱۸۵۳ گزینۀ «۱»

متن: صفحه ۷۲، آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵

اگر کسانی چنان در گناه و باطل پیش روند که از کار خود خرسند باشند و با حق، دشمنی و لجاجت ورزند، خداوند به آن‌ها فرصتی می‌دهد و آن‌ها این فرصت را وسیله غوطه‌ور شدن در گناهان قرار می‌دهند، به طوری که اگر در ابتدا، اندک امیدی وجود داشت که نور حق در دلشان بتابد، به تدریج چنین امیدی بر باد رفته و به شقاوت ابدی گرفتار می‌شوند. این سنت که از جمله سنت‌های حاکم بر زندگی معاندان و غرق شدن در گناه است، سنت «املاء و استدراج» نام دارد. آیه ﴿وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُوْنَ﴾ بیانگر این سنت است.

۱۸۵۴ گزینۀ «۳»

ارتباط مفهومی: حدیث / آیه

سنت بیان شده در حدیث: «من یعیش بالاحسان اکثر مّتن یعیش بالاعمار»، «تأثیر اعمال انسان در زندگی او» است؛ بنابراین باید آیه‌ای را انتخاب کنیم که به این سنت اشاره دارد که گزینۀ (۳) پاسخ صحیح است: ﴿و لَو اَنَّ اَهْلَ الْقَرْيَةِ اٰمَنُوْا وَاَتَقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَآءِ وَاَلْاَرْضِ و لٰكِن كَذَّبُوْا فَاذْنٰهُمْ بِمَا كَانُوْا يٰكْسِبُوْنَ﴾

۱۸۵۵ گزینۀ «۱»

متن: صفحه ۶۹، آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵

در «سنت ابتلاء» می‌گوییم: کوچک‌ترین حادثه‌ای که پیرامون ما رخ می‌دهد، امتحانی برای ماست تا روشن شود که ما نسبت به آن حادثه چه تصمیمی می‌گیریم و چگونه عمل می‌کنیم. عمل درست، رشد و کمال و عمل غلط، عقب‌ماندگی و خسران ما را به دنبال دارد. آیه‌ای که به سنت امتحان اشاره دارد، آیه ﴿اَحْسَبِ النَّاسَ اَنْ يُّتْرَكُوْا اَنْ يَقُوْلُوْا اٰمَنَّا و هُمْ لَا يَفْتَنُوْنَ﴾ است.

۱۸۵۶ گزینۀ «۱»

متن: صفحه ۷۲، آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵

سنت املاء فقط حاکم بر زندگی گناهکاران است.

آیه ﴿وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُوْنَ﴾ بیانگر این سنت است.

۱۸۵۷ گزینۀ «۴»

متن: صفحه ۷۲، آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵

آیه مطرح در صورت سؤال، بیانگر سنت «املاء و استدراج» است. در نتیجه باید گزینه‌ای را انتخاب کنیم که متناسب با این سنت باشد.

بررسی گزینه‌ها: گزینۀ (۱): با توجه به این سنت، مهلت خداوند برای افزایش گناهانشان است، نه نجات از ظلمت‌ها و تاریکی‌ها

گزینۀ (۲): مهلت‌ها و امکانات در سنت املاء، به صورت بلای الهی جلوه‌گر می‌باشد، نه لطف الهی.

گزینۀ (۳): این گزینه با اشاره به سنت امداد، نادرست است.

گزینۀ (۴): این گزینه در خصوص سنت املاء صحیح است و در نتیجه پاسخ درست می‌باشد.

۱۸۵۸ گزینۀ «۱»

آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵ / متن: صفحه ۷۰

آیه مطرح در صورت سؤال، بیانگر سنت امداد است. در این سنت می‌گوییم: خداوند، امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌های هر گروه را یکسان فراهم کرده است. کسی که راه حق را برمی‌گزیند، لوازم و امکانات رسیدن به راه حق را می‌یابد و کسی که فقط دنیا را انتخاب کرده، همان را به دست می‌آورد. طبق این مفهوم، سنت امداد، سنتی عام است و شامل همه انسان‌ها می‌شود.

پ.ن: دو گزینه دیگر بیانگر سنت «سبقت رحمت بر غضب» است.

